

تاریخچه روزنامه نوبهار مشهد (از ۹ شوال ۱۳۲۸ تا ۱۰ ذی‌قعدة ۱۳۳۲)

نصرالله صالحی

اشاره:

تقریباً از سه چهار سال مانده به یکصدمین سال نهضت مشروطیت ایران، مجموعه فعالیتهایی از سوی ارگانها و نهادی مختلف برای بزرگداشت این واقعه مهم تدارک گردید. از جمله، دانشگاه تهران و وزارت آموزش عالی و مؤسسه تحقیقات علوم انسانی تدارک چند همایش بزرگ را در تهران و تبریز فراهم کردند و نیز کمیته‌های برای انتشار منابع مشروطه و نیز باز چاپ یکصد روزنامه از روزنامه‌های عصر مشروطه، تشکیل گردید. مدیر وقت گروه تاریخ دانشگاه تهران، دکتر زرگری نژاد، که مسؤولیت کمیته مزبور را بر عهده داشت؛ به اینجانب که دانشجوی دکترای تاریخ آن دانشگاه بودم، پیشنهاد نمودند که فهرستی از روزنامه‌های مهم که برای بازچاپ، ارزشمند هستند را به کمیته معرفی کنم و درصدد یافتن آنها نیز باشم. فهرست مورد اشاره در کمترین زمان آماده شد و برای دسترسی به روزنامه‌ها نیز از آرشیو کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران استفاده شد. اما از آنجا که برخی روزنامه‌های مذکور در فهرست یاد شده یا در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران نبود، و یا کسری داشت؛ اینجانب از دوست ارجمندم، جناب استاد محمد گلبن، درخواست نمودم تا از گنجینه عظیم روزنامه‌های بایگانی شخصی خود، ما را یاری رساند. ایشان نیز قبول نموده و روزنامه‌های شمس، جبل‌المتین تهران، جبل‌المتین رشت، ایران نو، بهار، نوبهار و تازه بهار و چند روزنامه دیگر را برای اسکن در اختیار گذاشتند. مقدمات بازچاپ فراهم شد و چند مورد از روزنامه‌های مهم عصر مشروطه از سوی انتشارات دانشگاه تهران منتشر شد. اینجانب چند روزنامه را برای انتشار انتخاب نموده بودم که تنها یکی از آنها یعنی جبل‌المتین تهران، منتشر شد و بعد به جهت تحولاتی که پیش آمد کار کمیته مزبور متوقف گردید. با این حال، یکی از روزنامه‌های مورد علاقه اینجانب که مدت‌ها بر

روی آن کار کرده بودم، و دوره کامل آن را از آقای گلبن گرفته و در اختیار کمیته مزبور قرار داده بودم، روزنامه نوبهار، بود. با این که مقدمه را نوشته و کوشش‌های مربوط به چاپ این روزنامه را انجام داده بودم، متأسفانه به دلیل تحولات یاد شده، این روزنامه در چاپخانه ماند و هیچگاه منتشر نگردید. چنین کوششی را برای روزنامه شمس و مجله الاسلام شیخ عبدالعلی لاریجانی نیز انجام داده بودم که آنها نیز منتشر نگردید. با این حال، درباره روزنامه شمس^۱ مقاله‌ای با عنوان «روزنامه شمس و پیرزوی مشروطه دوم»^۲ در سمینار یکصدمین سال مشروطه در تبریز ارائه نمودم و در خصوص مجله الاسلام و نیز نوبهار، در فصلی از پایان‌نامه تحصیلی خود، به تفصیل سخن گفتم.

مطلبی که در اینجا منتشر می‌شود، در واقع مقدمه‌ای است که برای انتشار روزنامه نوبهار نوشته شده بود. این مقدمه، بیشتر ناظر بر تاریخچه و شناسنامه روزنامه مذکور است و نه تحلیل محتوای آن. نگارنده، در این خصوص، در جای دیگر به بحث پرداخته‌ام. از جمله در باب دیدگاه نوبهار به مسأله تجدد بر مبنای تحول اجتماعی و اصلاح تفکر دینی، در کتاب «اندیشه تجدد و...» بحث مبسوطی آمده است.^۳ خوشبختانه درباره روزنامه‌هایی که از سوی مرحوم ملک الشعراء بهار منتشر شده، از جمله نوبهار؛ بر خلاف برخی از روزنامه‌های عصر مشروطه که هنوز ناشناخته باقی مانده‌اند؛ کارهای متعددی از جنبه‌های مختلف، صورت گرفته است. در نوشتار حاضر به برخی از نوشته‌های پژوهشگران اشاره و ارجاع داده شده است.

مقدمه:

بهار، بیست سال پیش از انقلاب مشروطیت، یعنی در ۱۲ ربیع‌الاول ۱۳۰۴ در مشهد و در خانواده‌ای شاعر پیشه به دنیا آمد. پدر بهار، میرزا محمد کاظم صیوری، ملقب به «ملک الشعراء آستانه رضویه»، و مادرش از یک خانواده تاجر و اصیل بود. بهار، تحصیلات مقدماتی را نزد پدر و علوم متداول را نزد اساتید دیگر آموخت. در سال ۱۳۲۲ق. بعد از وفات پدر، به جای او، ملک‌الشعراء خوانده شد و از طرف مظفرالدین شاه؛ لقب، حقوق و مقرری سالیانه دولتی برای وی تعیین شد. بهار از همان سال‌های جوانی، در گفتن شعر چنان مهارت از خود نشان داد که عده‌ای آن را باور نمی‌کردند و گاه او را متهم به نقل اشعار پدرش می‌کردند.^۴ بهار در آغاز تجربه شاعری خود، به سنت پدری، به سرودن اشعاری با مضامین غیر اجتماعی و عمدتاً مذهبی اهتمام داشت. اما، شکل‌گیری جنبش ملی مشروطیت، در عواطف و احساسات این شاعر جوان نوزده بیست ساله، تأثیرات شگرفی ایجاد کرد. فرزند او می‌نویسد: «انقلاب مشروطه، هر چند در دراز

۱. نک: صالحی، نصرالله، *افول اختر و طلوع شمس در استانبول*، پیام بهارستان، دوره دوم، سال دوم، شماره هفتم، بهار ۱۳۸۹، ص ۹۰۶-۸۹۵.

۲. این مقاله در تاریخ ۱۳/۵/۸۴ در همایش بزرگداشت یکصدمین سالگرد مشروطه که در تبریز برگزار شد، قرائت گردید. مجموعه مقالات این سمینار، متأسفانه هنوز منتشر نشده است.

۳. نک: صالحی، نصرالله، *اندیشه تجدد و ترقی در عصر بحران*، انتشارات طهوری، تهران، ۱۳۸۷، ۱۷۲-۱۵۸.

۴. دستغیب، عبدالعلی، *ملک‌الشعراء بهار*، پیام نوین، اردیبهشت ۱۳۴۰، س ۳، ش ۸، ص ۲.

مدت تأثیر تلخی بر او گذاشت و مایوس از مردمان زمانه، مدت‌ها به کنجی صُم بُکم نشست، اما در تحول اندیشه او اثری عمیق نهاد. بسیاری از دیوارهای فرهنگ و رسوم کهنه در او فرو شکست، مداحی زندگان و مردگان از سکه افتاد و قالب‌های ذهنی اندیشه وی در هم ریخت. «شاعر جوان، تحت تأثیر پایداری‌ها و ایستادگی‌های آزادیخواهان در برابر محمدعلی‌شاه و مستبدان، با قلم و زبان به حمایت از مشروطه‌خواهان برخاست. خود وی می‌گوید: «در ۱۳۲۴ قمری، به سن ۲۰ سالگی، در شمار مشروطه‌طلبان خراسان جای‌گزیدم [...] من و رفقای دیگر [...] عضو مراکز انقلابی بودیم و روزنامه خراسان را به طریق پنهانی طبع و به اسم «رئیس الطالب» موهوم منتشر می‌کردیم و اولین آثار ادبی من در ترویج آزادی، در آن روزنامه انتشار یافت.»^۲ ناصرالدین پروین معتقد است که بهار با امضاء «م...» (محمد تقی) سمت سردبیری و نویسندگی روزنامه خراسان را برعهده داشته است.^۳ بهار در اشاره به یکی از «مشهورترین» آثار ادبی خود که در حمایت از مشروطه‌خواهان در روزنامه خراسان چاپ شده، از «قصیده مستزادی» یاد می‌کند که در سال ۱۳۲۵ و در عهد استبداد صغیر سروده شده است.^۴

با شه ایران ز آزادی سخن گفتن خطاست کار ایران با خداست...

بهار در ادامه می‌نویسد: چندی بعد که نیروهای مجاهدان به فتح تهران نایل آمدند و شاه به سفارت روسیه پناه برد (رجب ۱۳۲۷)، «اشعار و سروده‌هایی که در آن شب [در مشهد] خوانده شد و قصایدی که در جشن‌های ایام بعد سروده آمد، از من بود و اداره جشن‌ها و گرمی بازار شادکامی ملی از شعر و خطابه به وسیله من و رفقای انجمنی‌ها [انجمن سعادت] فراهم آمد. [...] در سلام آستانه که در سیزدهم ماه رجب همان سال دایر گردیده و به عادت دیرین باید شعر و خطبه خوانده شود، قصیده‌ای در ستایش آزادی خواندم که مطلعش چنین بود:

بیا ساقی که کرد ایزد قوی بنیان آزادی نمود آباد از نوخانه ویران آزادی...^۵

بهار در اشاره به یکی دیگر از «مهمترین آثار شعری» خود که «بعد از ایجاد اختلاف بین شاه و مجلس» سروده، از شعر بلندی در دو هزار بیت یاد می‌کند که ذکر تاریخ ایران از کیومرث تا زمان خود او بوده است.^۶

۱. دیوان ملک‌الشعراء بهار، انتشارات طوس، تهران، ۱۳۶۸، مقدمه به قلم مهرداد بهار، ج ۱، ص یازده

۲. همان، و نیز ملک‌الشعراء بهار: تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران، خوارزمی، تهران، ۱۳۵۷، ج ۱ صفحه ۱۰۷. پروین می‌نویسد: «از شماره چهارم، نام «رئیس الطالب» حذف شد و نام میرزا سید حسین اردبیلی به صورت م. س حسین و به عنوان «مدیر و نگارنده» در سه لوحه جا گرفت.» ر.ک: پروین، ناصرالدین؛ تاریخ روزنامه‌نگاری ایرانیان و دیگر پارسی نویسان، نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۷۷، جلد دوم (بحران آزادی)، ص ۵۶۲.

۳. پروین: همان.

۴. بهار: تاریخ مختصر احزاب سیاسی، ج ۱، صفحه ۱۰۷.

۵. بهار: همان، صفحه ۱۰۷.

۶. همان

دانسته شد که بهار با قلم زدن در روزنامه خراسان (۱۳۲۵ق) به کار روزنامه‌نگاری کشیده شد. از اسناد مطبوعات چنین برمی‌آید که وی در همان سال فتح تهران (۱۳۲۷ق) از طرف «جمعی از معارف خواهان خراسان» اقدام به ارسال تقاضا نامه‌ای خطاب به وزیر علوم برای گرفتن مجوز انتشار «مجله اخلاقی و ادبی در خراسان» با عنوان «احتیاج»، کرده است.^۱ اگرچه با این تقاضا به دلیل تشخیص «شایستگی و لیاقت» بهار، موافقت شده بود،^۲ اما انتشار این مجله و به تعبیر وزارت معارف- روزنامه- هیچ‌گاه عملی نشد. با این حال، بهار از همان سال ۱۳۲۷ شروع به نویسندگی در جراید ملی کرد و نخستین مقالات سیاسی و اجتماعی خود را در جریده «طوس»^۳ و بعضی را بدون امضاء در «حبل‌المتین کلکته» منتشر کرد.^۴

بهار، در اشاره به این تجربه خود می‌نویسد: «فراموش نمی‌کنم که سالی پیشتر از این [۱۳۲۶] یک قصیده و مقالتی برای حبل‌المتین فرستاده بودم، مرحوم سیدجلال‌الدین مدیر روزنامه نامبرده، نامه به من نوشت و گفت: اشعار شما در کمال خوبی بود و درج شد، اما مقاله، بسیار بد و غیرقابل درج است. [...] جواب مدیر روزنامه مرا دلسرد نساخت، بلکه بر جد و پشت کار من افزود و چنان که گفتم، در سال ۱۳۲۷ و ۱۳۲۸ مقالات سیاسی و اجتماعی و تاریخی من با امضای «م. بهار» در روزنامه‌ها توجه مردم را جلب کرد.»^۵

بهار، در آخرین شماره «تازه بهار» با اشاره به همکاری‌اش با روزنامه «طوس» از عزم خود در مبارزه با روس‌ها سخن گفته و نوشته است: «... روش قلمی من از آغاز کار، یعنی مقاله شماره ۸ جریده طوس ۱۳۲۷، بر ضد مرعوبیت ملت از «روس‌ها» و برخلاف مستترات پلوتیک همسایگان بود...» در ادامه، در اشاره به یک سروده ضد روسی خود، می‌نویسد: «در شماره ۳۶ طوس (۳ ربیع‌الآخر ۱۳۲۸) از زبان وجدان محصور شده خود، با لزوم مالایلم چاه‌های سروده و درج» کردم:

دلفریبان که به روسیه جان، جا دارند مستبدانه چرا قصد دل ما دارند...^۶

روزنامه طوس به دلیل انتشار مطالب ضد روسی در شعبان ۱۳۲۸ توقیف شد.^۷ حزب دموکرات ایران که پیشروترین جریان سیاسی ضد روسی در ایران بعد از مشروطه بود، با هدف ایجاد کمیته ایالتی حزب در خراسان و انتشار روزنامه‌ای در آن‌جا، حیدرخان عموغلی را که چند سال پیش از مشروطه در مشهد زندگی

۱. ر.ک: اسناد مطبوعات (۱۳۰۰-۱۲۸۶ش)، به کوشش کاوه بیات و مسعود کوهستانی‌نژاد، انتشارات سازمان اسناد ملی، تهران، ۱۳۷۲، ج ۱ ص ۶۱-۶۲. شایان ذکر است که در هیچ یک از منابع مربوط به تاریخ روزنامه‌نگاری بهار، به این مسئله اشاره نشده است.

۲. همان. ص ۶۲ و ۶۳ وزارت معارف ملی نامه ۱۴ رمضان ۱۳۲۷ با تقاضای مذکور موافقت کرده است. همان.

۳. محیط طباطبایی معتقد است که سرمقاله‌های طوس را بهار می‌نوشته است. نک: محیط طباطبایی، سید محمد: بهار روزنامه‌نگار، مندرج در بلند آفتاب خراسان (یادنامه محمدتقی ملک‌الشعراء بهار)، به اهتمام محمد گلین، رانش، ۱۳۸۰، ص ۳۰۹.

۴. بهار: تاریخ مختصر احزاب، ج ۱ صفحه ۶

۵. بهار. همان، صفحه ۵

۶. تازه بهار، س ۱، ش ۹، ۲۲ محرم ۱۳۳۰، ص ۱

۷. بهار می‌نویسد: درج مطالب ضد روسی در روزنامه، باعث خشم روس‌ها شد و تحت فشار آن‌ها طوس بعد از ۵۸ شماره توقیف شد. همان. و نیز محیط طباطبایی، همان، ص ۳۱۰

و کار کرده بود و از وضعیت آن جا شناخت کافی داشت،^۱ از تهران به خراسان گسیل داشت. به گفته بهار متعاقب سفر حیدرخان عمواغلی، هم کمیته ایالتی حزب دموکرات تأسیس شد و خود وی نیز به عضویت آن درآمد و هم از شوال ۱۳۲۸ «روزنامه نوبهار که ناشر افکار حزب دموکرات ایران بود» با مدیریت او شروع به انتشار کرد.^۲ بدین ترتیب از سال ۱۳۲۸، روزنامه نوبهار نیز وارد عرصه پرفراز و نشیب مطبوعات ایران دوران مشروطه شد و برخلاف بسیاری از روزنامه‌های دیگر که عمر کوتاهی داشتند، این روزنامه به دلیل پشتکار بهار و نیز به ویژه به دلیل اعتقادی که او به وظیفه ختیر روشنگری از طریق روزنامه‌نگاری داشت، علیرغم تعطیل و توقیف‌های متعدد، سال‌ها به انتشار ادامه داد.

تاریخچه روزنامه نوبهار به دو فصل مشخص تقسیم می‌شود.^۳

فصل اول: انتشار نوبهار در مشهد.

فصل دوم: انتشار نوبهار در تهران.

نوشتار حاضر تنها به بررسی تاریخچه فصل اول (دوران مشهد) که خود به سه دوره تقسیم می‌شود، می‌پردازد.

۱- دوره اول نوبهار: از ۹ شوال ۱۳۲۸ تا ۲۴ شوال ۱۳۲۹. (۸۰ شماره)

نخستین شماره سال اول نوبهار در روز پنج‌شنبه ۹ شوال ۱۳۲۸ (۱۲۸۸ ش) برابر با ۱۳ اکتبر ۱۹۱۰ در چهار صفحه سه ستونی در شهر مشهد و در مطبعه طوس انتشار یافت. این روزنامه بنا به آگهی مندرج در سرلوحه آن، هفته‌ای دوبار منتشر می‌شد. در ذکر روش روزنامه، این عبارت در سرلوحه همه شماره‌ها قید شده است: «نامه‌ای است سیاسی، ادبی، سرگذشتی، اخباری، خواهان یگانگی و فزونی اسلام و اسلامیان و هوادار بزرگ و نیرومندی ایران و ایرانیان» از شماره ۶۵ کلمه «ایرانیان» حذف شده و عبارت فوق با همان کلمه «ایران» خاتمه می‌یابد. در سرمقاله شماره نخست زیر عنوان «مسلك ما» متن کامل غزلی از حافظ، با مطلع - ما نگوئیم بد و میل به ناحق نکنیم - درج شده است. در مقاله اساسی این شماره، با عنوان «ما یک سال است متوقفیم»، بهار با تقسیم زندگی یک انسان و نیز یک ملت به سه مرحله، به بررسی و تحلیل تاریخ ایران از آغاز دوره قاجاریه تا مشروطه پرداخته است. در سومین عنوان این شماره، چهار مطلب مربوط به خراسان آورده شده است: «اخبار خراسان»، «انجمن محترم ایالتی خراسان و سیستان»، «اداره محترم مالیة خراسان»، «اداره کارگذاری و تذکره خراسان». چهارمین عنوان این شماره که در صفحه چهارم آمده اختصاص به «وطنیات» دارد.

در ذیل این عنوان، یک شعر طولانی و زیبایی وطنیه با این مطلع آمده است:

۱. در این زمینه، نگاه کنید به: رائین، اسماعیل: حیدرخان عمو/اغلی، جاویدان، تهران، ۲۵۳۵، جلد اول، بخش دوم، ص ۳۷-

۲۰

۲. بهار: تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران، ج ۱، صفحه ۵

۳. برای آگاهی اجمالی از تاریخچه روزنامه نوبهار نگاه کنید به این منابع:

مهرگان آمده و دشت و دمن در خطر است
مرغکان نوحه برآید چمن در خطر است
سراسر این شعر بلند آکنده از حسن میهن دوستی و احساس خطر نسبت به حال و آینده وطن است:
کشور ایران ز انبوه فتن در خطر است
ای وطن خواهان زنهار وطن در خطر است
پنجمین و آخرین عنوان این شماره، «اعلان» زیر است: «عجالة اداره ما در همان مطبعه طوس است.
از برای پذیرایی ارباب رجوع، نیم ساعت به غروب را وقت خواهیم داشت.» در انتهای صفحه پایانی نیز در
ذکر نام «مدیر مسئول» روزنامه، «ملک الشعراء بهار» قید شده است.
اشاره به کلیه عناوین و قسمت‌های شماره نخست روزنامه، از آن رو صورت گرفت که شمایی کلی از
ساختار موضوعی و محتوایی این روزنامه به دست آید. رویه موجود در شماره یک روزنامه با اندکی کم و
زیاد تقریباً در همه شماره‌ها دنبال شده است.
هر شماره غالباً دارای یک سرمقاله یا مقاله اساسی است که توسط خود بهار به نگارش در می‌آمده و
اگر غیر از این بوده یا امضاء نویسنده را در پایان مقاله داشته و یا آن که در بالای عنوان مقاله «از مقالات
وارد» قید می‌شده است. محض نمونه ج. ر. زاده (= جعفرزاده) از جمله کسانی است که چند مقاله فصل
از او در نوبهار انتشار یافته است.
مقاله‌های سال اول نوبهار و بعد روزنامه جایگزین آن - تازه بهار - به جهت شرایط بحرانی ناشی از حضور
تجاوزگرانه روس‌ها به ایران به ویژه در منطقه خراسان - که بعد از قرارداد ۱۹۰۷ حوزه نفوذ روسیه - شده
بود، تماماً متوجه ستیز قلمی با این دولت متجاوز و آگاه نمودن مردم نسبت به وضعیت پرمخاطره کشور
بوده است. نوبهار چنان که از تاریخچه آن برمی‌آید، خود را به سنگر اصلی مبارزه با روس‌ها و نیز رویارویی
با مستبدان مشروطه ستیز تبدیل کرده بود و لذا محتوی مطالب آن از این زاویه قابل مطالعه است. از طرفی
نوبهار خود را ناشر افکار حزب دموکرات می‌دانست. این حزب سیاسی پیشرو، دو ویژگی بارز داشت. بیگانه
ستیزی و طرفداری از توده‌های فرو دست جامعه، یعنی رعایا. در اکثر مطالب نوشتاری و شعری نوبهار این
جهت‌گیری به خوبی مشهود است. جهت‌گیری نخست یعنی بیگانه ستیزی در سرمقاله شماره ۲۹، با عنوان
«ستون‌های جراید ما» به خوبی منعکس شده است. در قسمتی از آن می‌خوانیم:
«متأسفانه مشاهده می‌شود که غالب ستون‌های اول جریده کوچک ما، حاوی نام «روس» و مبین
تجاوزات این دولت تمدن فرساست! ما وقتی قزاق‌های روس در یک گوشه از خاک وطن مقدس ما حرکتی
زشت که طبیعی آن‌ها است بروز داده‌اند؛ یا در مقابل چشم خودمان نمایشات غریبه و عجیبی به کار برده‌اند،
بی‌اختیار شده دیگر چیزی نمی‌توانیم بنویسیم. قلم ما دیگر از ما اطاعت نمی‌کند، مرکب ما با آن لباس
کبود که دربردارد ما را خبر می‌دهد از یک روز سیاه و افق کبودی که روزگار ما او را در پی خواهد سپرد!
ما، آن دقت چه می‌توانیم بکنیم؟ همان وقت مسلوب‌الاختیار شده خون‌گریه می‌کنیم و با خون‌مان یک
آرتیکلی خونین با لکه‌های اسم «روس» و «قزاق روس» موشح است، درست می‌کنیم و در ستون‌های

اول جریده خودمان درج می‌نمائیم. عجباً!! مکتوب داریم همه از ستمکاری روس! تلگراف داریم همه از جفاکاری روس! به تفریح بیرون می‌شدیم، همه حرکات دیوانه‌وار قزاق روس، راپورت شهری داریم! همه تعدیات بستگان روس! روزنامه می‌خوانیم همه کافر ماجرای و آدمکشی و غارتگری و خانمان‌سوزی قشون روس!...» (س ۱، ش ۲۹، ص ۱).

از شماره دوم نوبهار ستون‌های دیگری نیز بدان افزوده شده است. از جمله «قسمت تاریخی» که در ذیل آن یک مطلب دنباله‌دار با عنوان «درگذشت و نفوذ اروپا در آسیا» آمده است. در شماره‌های بعدی به اخبار تهران و بعضاً آذربایجان نیز توجه شده است. اما از دیگر شهرهای ایران به ندرت مطلبی در نوبهار یافت می‌شود. اما، در عوض از مشهد و تک‌تک شهرهای خراسان می‌توان به مطالب متنوع و فراوان برخورد. مطالبی که بی‌شک در نوشتن تاریخ محلی نقاط مختلف ایالت بزرگ خراسان، ماده اصلی هر پژوهشگری خواهد بود. گذشته از این، یک امتیاز نوبهار نسبت به روزنامه‌های دیگر، انعکاس گسترده اخبار شهرهای مختلف آسیای مرکزی و یا به تعبیر نوبهار «ترکستان» است. در هر شماره از سال اول و به ویژه سال دوم نوبهار، می‌توان به اخبار و آگاهی‌هایی از این شهرها برخورد: سمرقند، بخارا، تاشکند، ایندیجان، مرو، چیسکند، کنه قورغان، سمنگان، خوقفد، آلماتا، عشق‌آباد، مرو و...؛ اخبار مذکور توسط مخبر رسمی خود روزنامه که در ترکستان مستقر بوده، ارسال شده است. این امر، اخبار و گزارش‌های منتشره راجع به خطه ترکستان را مستندتر و مطمئن‌تر ساخته است. علاوه بر این، نوبهار در ترکستان، خوانندگان و مشترکان ثابتی نیز داشته است. در یکی از شماره‌ها، خطاب به مشترکین آن خطه آمده است: «به مشترکین محترم سمرقند و نیز بخارا اخطار می‌کنیم که وجوه اشتراک را به جناب آقا سید رضا علیوف و کیل محترم نوبهار تسلیم فرموده و قبض اداره را دریافت دارند.» (س ۱، ش ۵۷، ص ۱)، یکی از خبرهای جالب توجه ترکستان که در ربط با ایران است، خبر مربوط به یهودی‌های مرو است. «در شهر مرو یهودی‌های بخارا را از اقامت منع کرده‌اند، بنابراین خیلی از آن‌ها خود را مسلمان و تبعه ایران به قلم داده و با این عنوان، در ولایات زاقاسپسکی حق اقامت را توانسته‌اند احراز کنند.» (س ۱، ش ۶۶، ص ۴). بعد از ترکستان دومین منطقه هم مورد توجه نوبهار، قلمرو عثمانی است، در بعضی از شماره‌های این روزنامه اخباری از وضع داخلی و خارجی عثمانی و نیز مسائل مربوط به ایران و ایرانیان قلمرو عثمانی منعکس شده است. محض نمونه در اعلانی با عنوان «انتشار بهترین کتاب دستور زبان فارسی در استانبول» (س ۱، ش ۴۶، ص ۴) به انعکاس خبر اقدام علمی و فرهنگی یک دانشور ایرانی مقیم عثمانی پرداخته و یا در شماره‌های دیگر در انعکاس یک خبر تجاری و اقتصادی به «تدلیس یک کمپانی ترک شهر از میر» که با نام فرش‌های ایرانی به صدور فرش‌های نامرغوب به اروپا می‌پرداخته، اشاره و از اقدام تجار ایرانی علیه آن یاد کرده است. (س ۱، ش ۴۰، ص ۳).

نوبهار، چنان که گفته شد؛ ناشر افکار حزب دموکرات بوده به همین جهت در طول انتشار خود به درج مطلب مختلف مربوط به این حزب مبادرت می‌کرد. از جمله: انتشار «اطلاعیه‌های کمیته ایالتی حزب دموکرات ایران در خراسان» (ش ۵۶، ص ۱)؛ «خطابه کمیته مرکزی فرقه دموکرات ایران» درباره حقوق دهقانان» (ش ۴۴، ص ۲ و ۳)؛ درج «انتباه نامه فرقه دموکرات ایران، (ش ۷۳، ص ۲ و ۱)؛ درج «بیان نامه فرقه

دموکرات ایران»؛ (ش ۳۸، ص ۱ و ۲)، تحلیل علت تبعید «محمدامین رسولزاده از ایران» (ش ۵۶، ص ۱)؛ نقل عین مقاله از «روزنامه ایران نو» (ش ۴۸، ص ۱ و ۲)؛ تبلیغ روزنامه‌های فرقه دموکرات نظیر «شفق و ایران نو» (ش ۲۸ و ۵۱)؛ تبلیغ «رساله رسولزاده» (ش ۳۰ و ۱) و درج مقاله‌های تحلیلی مبتنی بر ایدئولوژی و مرام حزب دموکرات نظیر سرمقاله «امور روحانی و سیاسی» در دو قسمت (ش ۱۸، ۱۹، ۴۴)؛ «مجلس سنا، یا سنگر اعیان» (ش ۴ و ۱ و ۲)؛ «روحانی و روحانیت»، (ش ۵۳، ص ۲ و ۳).

نوبهار در بعضی شماره‌ها، به درج مطالب انتقادی نسبت به حزب اعتدالیون و «هیئت اتحاد اسلامی» مشهد که آن را قرینه انجمن اسلامی تبریز و هر دو را ارتجاعی و حامی استبداد می‌دانست و نیز روزنامه حامی آن - خورشید - می‌پرداخت. از جمله: «اعتدالیون بخوانند» (ش ۴۹، ص ۱ و ۲)؛ نقد «مرامنامه هیئت اتحاد اسلامی» (ش ۶۱، ص ۱ و ۲)؛ راجع به «اتحاد اسلامی» (ش ۵۲، ص ۱ و ۲)؛ «روزنامه‌نویس»، نقد مفصل روزنامه خورشید (ش ۵۱، ص ۱ و ۲)؛ «تنقید یعنی چه؟» دفاع از مرام و مسلک حزب دموکرات و نقد هیئت اتحاد اسلامی و روزنامه خورشید. (ش ۵۹، ص ۲)

نوبهار به تبعیت از حزب دموکرات که مبارزه با روس‌های متجاوز را به عنوان یک وظیفه مقدس ملی، تبلیغ و اشاعه می‌کرد، در تحریک افکار عمومی مردم علیه روس‌ها در خراسان نقش مؤثری ایفا می‌کرد. انتشار مقاله‌های «سیاست - با تجارت» (ش ۸ و ۹، ص ۱ تا ۳)، «ترک امتعه روس و یا مبارزه غیرمستقیم» (ش ۳۰، ص ۱ و ۲)؛ «پلتیک دولت روس با همسایگان» (ش ۳۹، ص ۱ و ۲)؛ «روس چه می‌کند» (ش ۵۰، ص ۱)؛ «ارتجاع در چه حال است» (ش ۷۵ و ۷۶، ص ۱ و ۲) و... که با منافع روسیه در ایران کاملاً در تضاد بود، بارها موجب برانگیخته شدن خشم و نارضایتی کنسول روس در مشهد و تهدیدهای دائمی او می‌شد. این تهدیدها، گاه مؤثر واقع می‌شد. چنان که خود بهار می‌نویسد: «برحسب مصلحت، تا یک چندی قلم خود را نگاه می‌داشتم، ولی «جباریت حرکات قزاق‌های روس»، نمی‌گذاشت آرام بگیرم. ۱ بهار، بعد از انتشار سرمقاله «پیشگویی‌ها» (ش ۷۰، ص ۱ و ۲)، که به مسئله بازگشت محمدعلی شاه مخلوع با همدستی روس‌ها پرداخته و عواقب آن را روشن ساخته بود، با واکنش تند کنسول روس مواجه گردید. خود وی در توضیح این واکنش می‌نویسد:

«پس از نشر آن نمره، از طرف جنرال قونسول روس مکتوبی به مدیر مطبعه طوس نوشته شد که مضمونش این بود: «اگر پس از این، در جریده نوبهار، اسم روس درج شود؛ مطبعه شما را توقیف خواهیم کرد.» این اخطار به قدری سخت بود که شرح معاهده محمدعلی با دولت روس را که روزنامه عشق آباد نوشته بود ترجمه کرده و خواستیم درج کنیم. از طرف قونسولگری اشعار شده بود که «عشق آباد» درج کرده بس است، شما حق ندارید درج کنید!!! یک چنین سانسوری که در مملکت روسیه نیز مجری نبود، در مملکت مشروطه ایران، جنرال قونسول دولت بهیه روسیه اجرا فرمودند! ۲»

۱. تازه بهار، س ۱، ش ۹، ۲۲ محرم ۱۳۳۰، ص ۲

۲. همان

بهار در اثر تهدیدها و فشارهای کنسول روس، تصمیم به توقف انتشار نوبهار گرفت و سرمقاله شماره ۷۹ را به «تودیع» اختصاص داده نوشت:

«اینک خستگی با قصی‌الغایه رسیده و افسردگی رسیده و افسردگی دماغ بی‌نهایت شده است. حملات پی‌درپی اجانب به این ورقه ناقابل و یورش‌های ارتجاعیون به تقویت آنان و مظفریت ما در مقابل آن همه هیاهو و قلاقل، اینک یک آسایش مختصری را به ما اجازت می‌دهد. این است وداع یک نفر رنجبر، یک نفر محنت‌کش، یک نفر خدمتگذار یکه و تنهای این آب و خاک! این است وداع یک نفر محرر جوان که به نام وطن و مسلکش یک تنه به میدان هزارها خون دل، بهتان، تکفیر، تهدید، حرمان، خطرات بزرگ، داخل شده و اینک با یک خستگی دماغی که مقدمه فنانی محررین جوان است، از این معرکه بیرون رفته تا گردش جهان به کدامین کارزارش دعوت کند...» (س ۱، ش ۷۹، ص ۱).

دوستان خبری بهار، با این تصمیم او مخالفت کردند و از او خواستند که کماکان به انتشار نوبهار ادامه دهد. به همین جهت، بهار شش روز بعد از نوشتن «تودیع»، در سرمقاله شماره ۸۰ راجع به انصراف خود و نیز ادامه کار نوبهار به درج اطلاعیه زیر خطاب به خوانندگان پرداخت:

«برادران من! رفتن مرا، همسلکان من صلاح ندانستند، مرا برای خدمتگذاری آتیه خراسان مهیا ساختند. من نیز به ناچار تا آخرین نفس برای خدمتگذاری حاضرم. اینک در این شماره که آخرین نمره سال اول است به شما اخطار می‌کنم که به واسطه تفریق حساب و وصول وجوه اشتراک سال ماضی و ترتیب سال آینده، تقریباً بیست روز جریده نوبهار تعطیل خواهد بود. وزان پس، به نیروی خداوند و تلطفات حضرت ثامن‌الائمه (ع) شروع به نشر خواهد شد. در بین این تعطیل، هرگاه اخبار مهمه برسد با ورقه‌های فوق‌العاده به نظر قارئین محترم خواهم رسانید...» (س ۱، ش ۸۰، ص ۱).

وعدۀ «تعطیل بیست روزه نوبهار»، درست یک ماه و هشت روز به طول کشید. بهار، علت این تأخیر بیش از یک ماهه را دو عامل دانسته است: «موانع خارجی، عدم فراهمی اسباب داخلی»^۱ منظور از موانع خارجی، روشن است اما مهمترین مانع داخلی به احتمال قوی عدم همکاری مدیر مطبعه طوس (که از اتباع آن کشور بود)، به دلیل فشار کنسول روس بوده است. بهار برای رفع این موانع، ناچار هم مطبعه را تغییر داد و هم اقدام به انتشار روزنامه‌ای با نام جدید - تازه بهار - در «تحت یک شرکت ملی» کرد. خود وی در اشاره به همین موضوع می‌نویسد: «... ما نیز، نظر به صلاح حال، از مطبعه طوس دست کشیده و به مطبعه «اتحاد» که متعلق به رعایای ایران بود وارد شدیم. نام جریده را نیز تغییر داده و در تحت یک شرکت ملی،

۱. طلیعه تازه بهار، یکشنبه ۴ ذیحجه ۱۳۳۹، (۲۹ نوامبر ۱۹۱۱) چنان که پیداست سال اول نوبهار، برخلاف نوشته همه کسانی که راجع به تاریخچه نوبهار مطلب نوشته‌اند، «توقیف» نشده؛ بلکه بنا به دو علت مذکور توسط خود بهار مدتی تعطیل شده است. البته منشأ اشتباه مزبور نیز خود بهار بوده است چرا که او، ۳۴ سال بعد از انتشار سال اول نوبهار، در هنگام نوشتن مقدمه «تاریخ مختصر احزاب سیاسی» (۱۳۲۳ شمسی) به دلیل اتکاء صرف به حافظه، در یک پارگراف دو اشتباه مرتکب شده است: یکی اشاره به «توقیف نوبهار به امر صریح قونسول روس» و دیگر انتشار «بلافاصله تازه بهار». نک: تاریخ مختصر احزاب سیاسی، ج اول، صفحه و.

جریده «تازه بهار» را دایر نمودیم.^۱ بنابراین، نوبهار بعد از یک سال انتشار (از ۹ شوال ۱۳۲۸ تا ۲۴ شوال ۱۳۲۹)، در اواخر شوال ۱۳۲۹ به مدت یک ماه و هشت روز، تعطیل شد. در طول این مدت، هشتاد شماره چهار صفحه‌ای منتشر گردید. تنها یک بار، آن هم در شماره ۲۶ ضمیمه‌ای دو صفحه‌ای به چاپ رسید. از شماره ۶۵ (۲۵ رجب ۱۳۲۹) تا شماره ۷۲ (۳ رمضان ۱۳۲۹) یک ستون بر صفحات روزنامه، اضافه شد و عرض صفحات ۶/۵ سانت بیشتر از حد متعارف شماره‌های دیگر شد. بهار در توضیح علت این اقدام، در سرمقاله‌ای با عنوان «معذرت» نوشت:

«گرچه با تنهایی و یکه‌تازی که نگارنده در میدان نگارش نوبهار داشتم باز نظر به توسعه نشر افکار و اخبار خارج و داخل که امروز یک اهمیت سیاسی را برای ما احراز می‌کند، جریده نوبهار را به چهار ستون مزین کرده و تا یک درجه نیز اخبار مفیده را اشاعه دادم. ولی در این ماه به واسطه کسالت، روزه و یکه‌کاری و این که جریده زودتر تجدید شود، باز به همان سه ستون قناعت کرده، امید است سال آینده بر اوراق و انتشارش فوق‌العاده توسعه دهیم.» (س ۱، ش ۷۳، ص ۱).

وعدۀ افزایش صفحات روزنامه، هیچگاه عملی نشد و دوره دوم و سوم نوبهار را در مشهد با همان روال سال اول انتشار یافت.

۲- دوره دوم نوبهار با نام تازه بهار - از ۴ ذیحجه ۱۳۲۹ تا ۲۲ محرم ۱۳۳۰ (۹ شماره و یک طلبعه یک صفحه‌ای)

چنان که گذشت، بهار یک ماه و هشت روز بعد از تعطیل نوبهار، اقدام به انتشار تازه بهار در مطبعه اتحاد کرد. این روزنامه نیز دارای چهار صفحه (جز شماره ۹ که ۵ صفحه‌ای بود)، سه ستونی بود که در هفته دو بار منتشر می‌شد. طلبعه روزنامه در یک صفحه و در روز یکشنبه ۴ ذیحجه ۱۳۲۹ به چاپ رسید. در روش روزنامه، تغییری حاصل نشده و همچنان ناشر افکار حزب دموکرات ایران بود. این امر، از همان جمله مختصر مندرج در طلبعه بهار پیداست:

«ما افاده مرام نمی‌کنیم، مرام ما از تراوشات دو سائله قلم ما هویداست. فقط در ضمن همین یک جمله می‌توان مقاصد حسنه ما را دانست: ترقی ایران، با حکومت عامیه.»^۲ انتشار تازه بهار در ۴ ذیحجه ۱۳۲۹ دقیقاً مصادف شد با یکی از بحران‌های سیاسی سخت دوره مشروطه، یعنی بحران ناشی از اعلان اولتیماتوم دولت روسیه^۳ به ایران، جهت اخراج مستشاران آمریکایی. در اوایل این بحران؛ مجلس، دولت و نایب‌السلطنه نتوانستند سیاست واحدی اتخاذ کنند. نایب‌السلطنه و دولت و بیشتر نمایندگان اعتدالی موافق قبول اولتیماتوم بودند، در حالی که نمایندگان دموکرات مجلس البته بجز چند نفر، بقیه به شدت

۱. طلبعه تازه بهار، ۴ ذیحجه ۱۳۲۹.

۲. همان

۳. دولت روسیه دو اولتیماتوم پیاپی به دولت ایران داد. اولی در ۲۴ ذیقعدۀ ۱۳۲۹ و دومی در ۷ ذیحجه ۱۳۲۹.

برایستادگی در برابر زیاده خواهی‌های روسیه پافشاری می‌کردند. در این میان، روزنامه‌های وابسته به حزب دموکرات، ستیز قلمی با روس‌ها را که از فتح تهران بدین سو آغاز کرده بودند، به اوج رساندند. تازه بهار نیز با انتشار «مقالات شدیداللهجه بر ضد مداخلات دولت تزار»^۱، پرچم مبارزه با روس‌ها را در خراسان همچنان برافراشته نگه داشت.^۲ البته مطالبی که بر ضد تجاوزگری روس‌ها در ایران در مجموع نه شماره تازه بهار، انتشار یافت؛ تنها به «مقالات» اختصاص نداشت؛ بلکه خبرها، تلگراف‌ها و حتی شعرهای منتشر شده نیز کاملاً میهن‌پرستانه و ضد روسی بود. از جمله یکی از زیباترین سروده‌های میهنی بهار در شماره دوم تازه بهار منتشر شد:

هان ای ایرانیان، ایران اندر بلاست
مملکت داریوش دستخوش نیکلاست

صفحه ۵ آخرین شماره تازه بهار (ش ۹) بیشتر به درج «ترانه وطن» و «نوحه وطن» اختصاص یافت. تازه بهار، علاوه بر درج مقاله و شعر، برای تحریض مردم به مبارزه و یا «جهاد» با تجاوزگری روس‌ها در شماره چهارم، ذیل عنوان «وجاهدوا فی سبیل‌الله» به ایرانیان و کلیه مسلمانان، لزوم جهاد با کفار را یادآورد شد و باب اول از «کتاب‌الجهاد» حاجی شیخ‌جعفر شوشتری، صاحب کشف‌الغطا را همراه با ترجمه فارسی آن منتشر کرد. (ش ۴، ص ۱ تا ۳).

درج این مطلب در تازه بهار، چنان بر ژنرال کنسول روسیه در مشهد گران آمد که وی «مکتوبی مستقیماً بدون واسطه کارگزاری به ایالت نوشته و توقیف جریده تازه بهار را جداً خواستار شدند. از طرف ایالت نیز چند روزه تعطیل تازه بهار به ما اخطار شد.» (ش ۹، ص ۲). بهار در واکنش به این تقاضا، اقدام به ارسال نامه به ایالت نمود که منجر به رفع تهدید موقت شد. اما، در شماره‌ای که از سر اجبار اقدام به درج تلگراف وزیر داخله مبنی بر قبول اولتیماتوم از سوی دولت ایران نمود، مجدداً از «محوریت استقلال ایران که برخلاف حسن مناسبات دولتین» بود «ناله‌ها آغازید» و به اقدام به درج «اخبار جانگذار تبریز و رشست و قزوین» نمود. بهار می‌نویسد: «باز نگارشات ما به واسطه انقطاع مناسبات استقلال پرورانه دولت ایران با دولت روس دگرگون شده و سوز سخن‌ها، کاشانه وطن پرستان را آتش زد!» (ش ۹، ص ۳) این اقدام تازه بهار، خشم کنسول روس را برانگیخت و او را وادار به واکنش سخت کرد. به گونه‌ای که طی مکتوبی به حاکم خراسان، «جداً توقیف تازه بهار را خواستار شد» و در پایان نامه نوشت: «اگر حضرت والا که فرمانفرمای خراسان هستید، از توقیف یک چنین جریده «مهمل» (!) عجز دارید، خود دوستانه به توقیف آن مبادرت خواهد ورزید!!» (ش ۹، ص ۳). این تهدید، مؤثر واقع شد. چرا که وزیر داخله (قوم‌السلطنه)، طی تلگرافی،

۱. بهار، تاریخ مختصر احزاب سیاسی، ج اول، صفحه ۵.

۲. بهار در خصوص سابقه مبارزه نوبهار و تازه بهار با روسیه می‌نویسد: «دولت تزار، در ایران از مستبدان حمایت می‌کرد و در خراسان قوایی وارد کرده بود و اسباب نارضایی احراز شده بود، دموکرات‌ها هم منفور روس‌ها بودند. بنابراین، روش من در روزنامه نوبهار و بعد تازه بهار، مخالفت با بقای قوای روسیه در ایران و مخاصمه با سیاست آن دولت بود.» نک: تاریخ مختصر احزاب سیاسی، ج اول، صفحه ۵.

دستور توقیف تازه بهار را صادر کرد. متن تلگراف از این قرار بود:

«مشهد- ایالت جلیله، روزنامه تازه بهار را که برخلاف مصالح دولت و ملت (!) انتشاراتی داده است، فوراً توقیف و از نظایر این انتشارات و هر نوع شایعات که بر ضد مقاصد و مصالح دولت و مورث فساد و هیجان بشود جداً جلوگیری کرده خود را مسئول بدانید.» (ش ۹، ص ۳).

تازه بهار در اعتراض به این دستور، در ذیل آن، با اظهار تأسف نوشت: «این تلگراف هرگاه از وزیر داخله باشد، خیلی جای تحجیر است و باید از ایشان سؤال کرد که مصالح دولت و ملت امروز در چیست! آیا به اسیر شدن است؟!...!!!»

بدین صورت، با اجرای دستور وزیر داخله، تازه بهار بعد از ۹ شماره، از انتشار بازماند^۱ و بهار نیز به همراه نه نفر از افراد حزب دموکرات، دستگیر و به تهران تبعید شدند.^۲

۳- دوره سوم نوبهار: از ۷ صفر ۱۳۳۲ تا ۱۰ ذیقعدة ۱۳۳۲ (۷۷ شماره).

بهار یک سال بعد از تبعید به تهران، بار دیگر به مشهد بازگشت (۱۳۳۱ق) و کمی بعد، به فکر انتشار مجدد نوبهار افتاد. به این منظور با نیرالدوله- والی خراسان- که با پدرش سابقه دوستی داشت، ملاقات و اجازه انتشار نوبهار را گرفت. اما «به محض شروع به انتشار و در همان قدم نخستین» با مانع بزرگ برخورد.

«جنرال قونسول روس کنیاز دابیژا- به کار گذار وقت فهمانید که نباید نوبهار دایر شود. او هم والی را مطلع ساخته، والی نیز مرا آگاه کرد و گفت هر اقدامی که باید بکند چه رئیس قشون و چه کار گذار، برای رفع این مزاحمت کرده‌اند و سودمند نیفتاده، اگر خودت بتوانی کاری صورت بدهی مختاری و الا اسباب زحمت شده و نخواهند گذاشت روزنامه‌ات دایر شود.»^۳

بهار، برای رفع مانع انتشار، ناچار از کنسول روس تقاضای ملاقات نمود که با آن موافقت شد. بهار در بخشی از توصیف ملاقات خود با کنسول می‌نویسد:

«او مرا خوب می‌شناخت. زیرا دو سال پیش خود او به تهران از من شکایت کرده و حکم توقیف نوبهار و تبعید مرا از خراسان صادر کرده بود. او می‌دانست که من دموکرات هستم و قشون روس هم با یک دسته در ایران می‌جنگید و آن را شکست و آن هم دموکرات‌ها بودند. بلکه او متأسف بود که چرا دو سال پیش، قبل از آن که بشنود همقطاران او در تبریز و رشت چه قصابی‌ها کرده و چگونه به تبعید دموکرات‌ها راضی

۱. نه شماره تازه بهار، برای آگاهی از تحولات سیاسی آخرین روزهای سال ۱۳۳۹ و نخستین روزهای سال ۱۳۳۰ که مصادف با اعلان اولتیماتوم دولت روس و تهدید قشون آن کشور به حرکت از قزوین به سوی تهران و به اوج رسیدن بحران سیاسی در ایران بوده، دارای اهمیت بسیار زیادی است.

۲. بهار: تاریخ مختصر احزاب سیاسی، جلد اول، صفحه «و»، جلد دوم ص ۱۳ و ۱۴.

۳. از یادداشت‌های منتشر نشده بهار مندرج در: گلبن، محمد: تاریخچه روزنامه بهار، مجله یغما، س ۲۴، ش ۱ (۲۷۱) فروردین ۱۳۵۰، ص ۲۸.

نشده و آن‌ها را به سهولت به دار آویخته‌اند، به تبعید من و نه نفر رفقای من، راضی شده است [...] داییزا گفت: ما نمی‌گذاریم تو روزنامه بنویسی. گفتیم: منم کتاب می‌نویسم. گفت از چه مقوله؟ گفتیم بر ضد دولت تزار و بر ضد شما در هندوستان منتشر می‌کنم.»^۱

بهار در جای دیگر، از جریان ملاقات خود با کنسول روس روایت دیگری نیز نقل کرده است. آن جا که می‌گوید: «قونسول روس، جلو مرا به شدت گرفت. اما به او فهمانیدم که من در سیاست چیزی نخواهم نوشت و دموکرات‌ها قیامی نخواهند کرد و او متقاعد شد.»^۲ این روایت، بیشتر مقرون به واقعیت است. زیرا، روش و محتوای این دوره از نوبهار، به خوبی حاکی از پابندی بهار به تعهدی است که به کنسول روس داده است. یعنی عدم پرداختن به سیاست به ویژه سیاست تجاوزگرانه روس و انگلیس در ایران. چنان که خواهیم دید، در عمل نیز نشان داد.

بهار، چون در مبارزه سیاسی را به روی خود بسته دید از در مبارزه اجتماعی و فرهنگی وارد شد و در این دوره از نوبهار، تقریباً فارغ از سیاست به ویژه سیاست خارجی، به قلم زدن در عرصه‌های اجتماعی - فرهنگی و عقیدتی پرداخت. البته، در این رویکرد جدید به کار روزنامه‌نگاری به جز مخالفت‌های کنسول روس یک علت مهم دیگر نیز وجود داشت و آن تجربه شکست‌ها و ناکامی‌های سال‌های بعد از مشروطه بود. به ویژه دموکرات‌ها این ناکامی‌ها را با جان و دل احساس می‌کردند. آن‌ها و بیشتر آزادیخواهان دیگر تصور می‌کردند که با وقوع انقلاب و مشروطه شدن نظام سیاسی؛ ایران، بی‌مانع و رادع در راه ترقی و پیشرفت قرار خواهد گرفت. در حالی که چنین نشد و لذا وادار به تأمل و بازاندیشی در ماهیت انقلاب سیاسی شدند. از این رو، با درک ضرورت وقوع انقلاب اجتماعی و فرهنگی در جامعه، بیشتر به این سمت گرایش یافتند و همین گرایش را در حوزه روزنامه‌نگاری نیز منعکس ساختند. این دوره از نوبهار، یکی از مصادیق بارز و شاخص همین گرایش در عرصه روزنامه‌نگاری سال‌های بعد از مشروطه است.

در مجموع، بهار با جلب نظر موافق کنسول روس نسبت به این که وارد مسائل سیاسی نخواهد شد، اقدام به انتشار سال دوم نوبهار کرد. نخستین شماره این دوره از نوبهار، در روز یکشنبه ۷ صفر ۱۳۳۲ در چهار صفحه سه ستونی، در مطبعه طوس مشهد از چاپ در آمد. بهار در سه مقاله یا «افتتاح» این شماره به هدف از انتشار نوبهار این گونه اشاره می‌کند:

«از برای خاطر یک مملکت نامترقی، یک انقلاب ناقص، یک سیر تجرد ناتمام، و یک ملت جاهل فراموش کار، باز ناچار که قلم برداریم و این سیر قهقرایی ملت ایران را سهل بینگاریم. یا رب تو شاهی که هر چه می‌گوئیم جز به مقتضای صلاح ملت و خیر امت نیست...» (س ۲، ش ۱، ص ۱)

سال دوم نوبهار، نسبت به سال اول آن، هم از جهت مطالب، متنوع‌تر و هم از حیث محتوا غنی‌تر است. و این نشان دهنده آن است که بهار، علیرغم تعطیل نوبهار، بار دیگر با دانش و تجربه بیشتر به کار

۱. همان، ص ۳۰-۲۹.

۲. بهار: تاریخ مختصر احزاب سیاسی، ج اول. صفحه «ز».

روزنامه‌نگاری پرداخته است. هر شماره از سال دوم نوبهار، کم و بیش شامل این قسمت‌ها است: یک «مقاله اساسی» یا همان سرمقاله، که غالباً به قلم بهار است. در غیر آن صورت، امضا نویسنده در ذیل آن قید شده است. چند ستون ثابت، شامل: «مباحث اخلاقیه»، «مباحث علمیه»، «ادبیات»، «وقایع شهر» (عمدتاً حاوی اخبار شهر مشهد)، «اخبار داخله» (بیشتر شامل اخبار خراسان)، «تلگرافات خارجه»، «اخبار خارجه» و پاره‌ای داستان‌ها یا حکایت‌های ادبی کوتاه دنباله‌دار در زیر صفحه بعضی شماره‌ها.

هر شماره، معمولاً با یک سرمقاله مفصل، شروع می‌شود؛ ولی گاهی به دلیل کثرت مطالب، از آن صرف‌نظر شده است. در شماره ۱۰، در ضمن پوزش، می‌نویسد: «در این شماره به واسطه تراکم مطالب و ضیق صفحات از مقاله اساسی خودمان صرف‌نظر کرده و از مشترکین عظام معذرت می‌خواهیم.» (س ۲، ش ۱۰، ص ۱) روزنامه از همان ابتدای انتشار، با انبوه مطالب قابل انتشار مواجه بود. بهار در شماره ۸، تصمیم به تجدیدنظر در تعداد صفحات یا دفعات انتشار روزنامه در هفته را این‌گونه به اطلاع خوانندگان رساند. «به واسطه کثرت مطالب مندرجه و ضیق صفحات جریده، مجبوریم که به تعداد نمرات یا صفحات بیفزائیم و ناچار به قیمت آنهم خواهیم افزود.» (س ۲، ش ۲، ص ۱). این تصمیم، تا سسی شماره بعد عملی نشد، اما از شماره ۳۹ تا ۶۵ انتشار نوبهار از هفته‌ای دو بار به سه بار در هفته افزایش یافت. در عملی شدن این تصمیم، علاوه بر کثرت مطالب، اهمیت و حساسیت انتخابات مجلس سوم که در تهران و دیگر شهرها در طول چند ماه در حال انجام بود نیز تأثیر داشت. در خصوص افزایش دفعات انتشار روزنامه در شماره ۴۰، این «اخطار»، درج شده بود: «برای اهمیت موقع به وعده وفا کرده نمرات نوبهار را به هفته‌ای سه نمره تخصص دادیم.» (س ۲، ش ۴۰، ص ۱). انتشار نوبهار از شماره ۶۶ تا ۷۷، مجدداً به دو بار در هفته محدود شد.

نوبهار، انتشار مطالب ارسالی را تابع شرایطی کرده بود. یکی عدم انتشار نوشتجات بی امضا و دیگر، درج قطعی مقالات علمی و اساسی. انتشار مطالب علمی حتی از جهت حجم فاقد محدودیت بود. «مطالبی که برای اندراج می‌رسد سواى مطالب علمی و ادبی و تاریخی، اگر مفصل باشد درج نخواهد شد. و سایر مطالب نیز باید بر یک روی ورقه با خط خوانا نوشته شود.» (س ۲، ش ۴۰، ص ۱).

سال دوم نوبهار، نسبت به سال اول آن، علاوه بر این ویژگی‌های صوری، از جهت محتوایی نیز واجد ویژگی‌های شاخصی است که به برخی اشاره می‌شود.

۱- انتشار سرمقاله‌ها یا مقاله‌های اساسی مفصل، به قلم بهار با رویکرد به ضرورت وقوع انقلاب اجتماعی و عقیدتی و ادبی [فرهنگی] در جامعه. عناوین نمونه‌هایی از این مقاله‌ها چنین است: «زن مسلمان» (ش ۹، ۱۳، ۱۱، ۱۴)، «تجدد و انقلاب» (ش ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸)، «تربیت و تعلیم» (ش ۱۹، ۲۲)، «روح دیانات» (ش ۲۹، ۳۰)، «راستی چیست، راستکار کیست؟» (ش ۵۳، ۵۸، ۵۹) و...

۲- درج اخبار و گزارش‌هایی راجع به ترقی و پیشرفت زنان در ممالک اروپایی و در مقابل، انعکاس وضع عقب مانده زن ایرانی به ویژه در منطقه خراسان. (ش ۲۳، ۲۶، ۲۸، ۳۹، ۵۰، ۶۶)

۳- انعکاس مسائل و مشکلات جامعه و آگاه ساختن مردم از عواقب نابسامانی‌ها و ناهنجاری‌های اجتماعی. این مسائل، گاه در ستون «مباحث اجتماعی» و گاه در لابلای اخبار و گزارش‌های محلی منعکس

می‌شود. محض نمونه، در یکی از خبرهای مربوط به نیشابور رواج گسترده «مرفین» در آن جا هشدار داده، می‌نویسد: «قوچان را زلزله خراب کرد. نیشابور را مرفین» (ش ۱۴، ۱۸، ۱۹، ۴۴، ۵۹).

۴- انعکاس اخبار و گزارش‌های متعدد و متنوع از شهرهای مختلف خراسان: مشهد، شیروان، قوچان، نیشابور، سبزوار، ترشیز، درجز، کلات، تربت، قائن، تون و طبس، گناباد، فریمان، بجنورد، خواف، سبزوار، سرخس. محض نمونه در خبری راجع به قطع وابستگی سرخس ناصری به سرخس روس می‌نویسد:

«در موقع خشکی هری رود، کار اهالی سرخس برای آسیا خیلی سخت بود. مجبور بودند گندم خود را به آسیای ماشینی سرخس روس ببرند و با آن‌ها هر قسم می‌خواستند، رفتار میکردند. اینک، رئیس مالیه و گمرک به شراکت پنج نفر، یک آسیای ماشینی که قوت سی و پنج اسب دارد، وارد کرده‌اند و یک قطعه زمین پشت دروازه سرخس گرفته‌اند. آسیا را دایر نمودند. مخارج آن از هر حیث قریب به بیست هزار منات شده، عموم سکنه سرخس و توابع، آسوده شده‌اند و اسباب آبادی سرخس بحمدالله فراهم آمده.» (ش ۷، ص ۳) سال دوم نوبهار، نسبت به سال اول آن، به جهت انعکاس بسیار بیشتر اخبار اوضاع و احوال شهرهای مختلف خراسان، از حیث تاریخ محلی خراسان، در سال‌های بعد از مشروطه؛ حائز کمال اهمیت است.

۵- انعکاس اخبار جریان برگزاری انتخابات مجلس سوم^۱ در تهران، به ویژه در خراسان در حد وسیع. توجه زیاد نوبهار به انتخابات در خراسان تا حدی هم به جهت ذینفع بودن مدیر آن در این انتخابات بود. چنان که بهار از حوزه انتخابیه در جزو کلات و سرخس به نمایندگی مجلس سوم انتخاب شد.

۶- چنان که گفته شد، «ادبیات» یکی از ستون‌های ثابت نوبهار بود. در این ستون، اشعاری از شعرای معاصر خراسان از جمله خود بهار منتشر می‌شد. شعرها، عموماً در ربط با مسائل سیاسی و اجتماعی روز و خصوصاً وطنیه‌های پرشوری بود که می‌توانست حسن میهن دوستی را در دل هر ایرانی برانگیزد. شعر معروف «این دود سیاه فام که از بام وطن خواست----- از ماست که برماست»، در شماره ۷ (۲ ربیع‌الاول ۱۳۳۲) و قصیده مستزاد «از عوام است هر آن بد که رود به اسلام----- داد از دست عوام»، در شماره ۳۷ (۲۲ جمادی‌الآخر ۱۳۳۲) و تعداد دیگر اشعار از قطعات ساده تا مناقب الفاطمیه از بهار در همین دوره از نوبهار انتشار یافت. جز او، از این شاعران نیز شعرهای ارزشمندی در نوبهار به چاپ رسید: میرزایحیی ریحان، میرزا اسمعیل محمدزاده (نساج)، احمد طهرانی‌زاده، میرزای کفاش، تجلی سبزواری، مرتضی میرزا، میرزا عبدالله، حسن‌الحسینی، م. دانش و...؛ پاره‌ای از شعرها نیز بدون نام شاعر به چاپ رسیده است. با توجه به این که بهار خود، شاعر سخن سخن چیره دستی بوده، در انتشار اشعار؛ کمال دقت

۱. انتخابات مجلس سوم تقریباً از اواسط سال ۱۳۳۲ به طور جدی شروع شد و تا پایان همان سال به طول انجامید. بهار در آستانه برگزاری این انتخابات شعر زیبایی سرود و در شماره ۳۰ (۲۷ جمادی‌الاول ۱۳۳۲) نوبهار منتشر ساخت. با این مطلع:

ماه مشروطه در این ملک طلوعیدن کرد انتخابات دگر بار شروعیدن کرد

مجلس در ۱۶ محرم ۱۳۳۳ توسط احمد شاه گشایش یافت و درست یک سال بعد در اوج جنگ جهانی اول، در اثر تهدید قوای روسی به پیشروی به سوی پایتخت در ۷ محرم ۱۳۳۴ تعطیل و شماری از نمایندگان دست به مهاجرت زدند.

و نهایت سختگیری را اعمال می کرده است. وی، در خصوص «شرط درج شعر در روزنامه»، نوشته بود: «کسانی که به مقتضای طبع موزون به جریده‌ها شعر اهدا می کنند، باید خیلی در نوشتن و ساختن قصاید خودشان دقت کنند، ورنه مندرج نخواهد شد.» (ش ۲۷، ص ۳).

با توجه به این توضیحات، ستون «ادبیات» نوبهار، بخش ارزشمندی است برای شناخت تاریخ ادبیات فارسی و نیز تاریخ ایران عصر مشروطه در ادب فارسی منطقه خراسان.

۷- اخبار اوضاع و احوال آسیای مرکزی و یا به تعبیر نوبهار «ترکستان»، به دلیل همجواری با ایران و نیز وجود ارتباطات دو سویه میان ایران و آن منطقه، همچون سال اول نوبهار، در سال دوم آن نیز انعکاس زیادی یافته است. همان طور که در بررسی سال اول روزنامه، اشاره شد؛ نوبهار از وجود مخبر و مشترکین ثابتی در ترکستان برخوردار بوده است. بارها، به نقل از مخبر خود به نقل اخبار و گزارش‌هایی پرداخته و چند بار نیز خطاب به مشترکین خود «اعلان»هایی درج کرده است. از جمله، در شماره ۲۵ از «مشترکین محترم ترکستان» تمنا می کند که «هر چه زودتر وجوه اشتراک نوبهار را به وکیل ما، آقا سید رضا علیوف بپردازند و ما را قرین امتنان فرمایند.» در شماره ۲۹؛ خطاب به مشترکین می نویسد: «به چند نفر از مشترکین محترم ترکستان ما که از اول ربیع‌الثانی آبونه شده‌اند، بایستی از شماره ۱۶ روزنامه می فرستادیم. لیکن سهواً به ایشان از شماره ۲، ارسال شده است. اینک، اخطار می شود که هرگاه میل دارند، خود را از ۱۰ ماه صفر با ما شریک بدانند و اگر نمی خواهند، نمره‌های زیادی را به وکیل سمرقندمان عودت دهند.» نوبهار، در بیشتر شماره‌های خود، گذشته از انعکاس اخبار تک تک شهرهای ترکستان؛ نظیر بخارا، تاشکند، مرو، سمنگان، عشق‌آباد، سمرقند و...؛ حتی به نقل اخباری از قریه‌ها، قصبه‌ها و محله‌های آن دیار نیز می پردازد. گذشته از این‌ها، انتشار مسائل مربوط به ایران و ایرانیان ترکستان هم قابل توجه است. «ایرانیان سمرقند» (ش ۶۶)، «امتحان مدرسه مظفری ایرانیان در «عشق آباد» (ش ۵۶)، «مکتوب یک نفر ایرانی مقیم سمرقندی» (ش ۶۷)، خود بهار نیز در سرمقاله مفصل «ترکستان جدید و قدیم» (ش ۵۲) با دغدغه‌های قومی و زبانی، مسائل ترکستان را مورد بررسی قرار داده است.

۸- نوبهار به جز ترکستان، به تحولات سیاسی عثمانی و گاه قفقاز نیز توجه خاص نشان می داد. سرنوشت بسیار مشابه جنبش مشروطه خواهی در دو کشور ایران و عثمانی و به ویژه پیشتاز بودن ترکان در اخذ مدنیت غربی، دلیل اصلی توجه نوبهار به تحولات عثمانی بود. این روزنامه، قانون اساسی جدید عثمانی را عیناً درج کرد (ش ۱۰)، و از اصلاحات انور پاشا (ش ۹) و تشکیل کلاس‌های درس در دارالفنون استانبول جهت نسوان (ش ۲۶) گزارش‌هایی را منتشر کرد. در شماره ۳۱، از شمار ایرانیان مقیم باکو آماری منتشر ساخت.

۹- نکته آخر در باب نوبهار، این که سه ماه از انتشار آن مصادف شد با شروع جنگ جهانی اول. از این رو، نوبهار از شماره ۴۲ اقدام به درج مقاله‌های تحلیلی راجع به زمینه‌های شروع جنگ جهانی نمود. بهار، از این مرحله به بعد توانست تا حدودی تعهد خود به کنسول روس را نقض و کم و بیش از سیاست تجاوزگرانه روس و انگلیس سخن بگوید.

بهار در دهمین ماه انتشار روزنامه، در ۱۰ ذی‌قعدة ۱۳۳۲ با نوشتن سرمقاله مفصل «وداع نوبهار» از تعطیل روزنامه خبر داد. علت اصلی این اقدام، عزیمت بهار به تهران جهت حضور در مجلس سوم به عنوان نماینده شهرهای درجز و کلات و سرخس بود. همدین امر، موجب تعطیلی سال دوم نوبهار در مشهد شد. بهار، در سرمقاله مذکور، راجع به ادامه انتشار روزنامه در تهران نوشت: «بهار می‌رود، اما در پی دو کار: اول یک وظیفه بزرگ وجدانی، یعنی چیز نوشتن تا آخر عمر، دوم برای یک مسئولیت سنگین ملی، یعنی وکالت کردن تا دو سال. دیگران از ادای وظیفه اولیه من عاجز و برای قبول مسئولیت ثانویه داوطلبند. اما حیات من در استقبال آن وظیفه رقصان و روح من از عهده‌داری این مسئولیت سنگین، لرزنده و بیمناک است.^۱ (ش ۷۷، ص ۱). بهار در قسمتی از «وداع نوبهار»، به گونه‌ای تلویحی از عملکرد خود در طول انتشار سال دوم نوبهار، اظهار رضایت کرده نوشت:

«می‌روم پس از آن که سخت‌ترین مبارزه‌های اجتماعی و سیاسی را به نیروی صداقت و راستی خودم در خراسان خاتمه داده و بهترین توصیه‌های فلسفی و اخلاقی و اجتماعی را به فرزندان خراسان گوشزد کردم [...] می‌روم پس از آن که اصلاً در نظر اقوام خراسان قدر حقیقت وجود من دانسته نیامده، و می‌روم پس از آن که به واسطه وجود من یک انقلاب بزرگ اخلاقی را خراسان در خود دارد احساس می‌کند.» (ش ۷۷، ص ۱)

بهار، با وجود شکوه از مردم خراسان، باز هم به صراحت از علاقه‌اش به خراسان و ادامه کارش در آنجا سخن می‌گوید. «خراسان خانه من است که مرا از یک عالم تاریکی در هوای لطیف خود پرورش داده و به سوی عالم روشنتری کشانیده است. چقدر میل داشتم که مزد خراسان را با قلم آزاد خود ادا کنم، ولی آن وظیفه وجدانی و آن سائقه معنوی مرا به ناچار به یک طرفی می‌کشاند...» (ش ۷۷، ص ۱).

بهار، با انتشار آخرین شماره نوبهار (ش ۷۷) و تعطیل آن در ۱۰ ذی‌قعدة ۱۳۳۲/۳۰ سپتامبر ۱۹۱۴، به عمر روزنامه نوبهار در مشهد، پایان داد و بعد از آمدن به تهران، در کنار انجام وظیفه نمایندگی مجلس و تجربه زندگی سیاسی جدید، به انتشار نوبهار در تهران پرداخت. انتشار روزنامه نوبهار در پایتخت، فصل دیگری از زندگی روزنامه نگاری بهار است که باید به صورت مستقل به آن پرداخته شود.

۱. بهار در عمل ثابت کرد که عشق و علاقه او به نوشتن و روشنگری از طریق انتشار روزنامه، گزافه نبوده است. او، درست دو ماه و شش روز بعد از تعطیل سال دوم نوبهار در مشهد، در ۱۶ محرم ۱۳۳۳، طلیعه نوبهار را در تهران، منتشر کرد و با انتشار نخستین شماره آن در ۲ صفر ۱۳۳۳، دومین فصل روزنامه نوبهار را در تهران دایر کرد.

شناسنامه

| | |
|--------------------------------|---|
| نام | تازه بهار (= دوره دوم نوبهار) |
| مدیر و سردبیر | ملک الشعراء بهار |
| نوع و روش | سیاسی، ادبی، سرگذشتی، اخلاقی، خواهان یگانگی و فزونی اسلام و اسلامیان و هوادار بزرگی و نیرومندی ایران و ایرانیان |
| سال انتشار | سال اول |
| تاریخ انتشار نخستین شماره | پنجشنبه ۹ شوال ۱۳/۱۳۲۸ اکتبر ۱۹۱۰ |
| تاریخ انتشار آخرین شماره | چهارشنبه ۲۴ شوال ۱۷/۱۳۲۹ اکتبر ۱۹۱۱ |
| تعداد کل شماره‌ها | ۸۰ |
| محل انتشار | مشهد مقدس |
| زبان | فارسی |
| چاپ | سربی |
| چاپخانه | طوس |
| مدیر چاپخانه | میرمرتضی الموسوی |
| قطع | از شماره ۱ تا ۶۴ و از شماره ۷۳ تا ۸۰: ۴۳×۲۸، از شماره ۶۵ تا ۷۲: ۴۳×۲۸ |
| فاصله انتشار | دو بار در هفته در شماره ۲۶ ضمیمه دو صفحه‌ای راجع به آستانه |
| تعداد صفحات | ۴ |
| بهای یک شماره | ۵ شاهی |
| بهای [اشتراک] شش ماهه | در مشهد ۱۸ قران، شهرهای خودی ۲۰ قران، کشور بیگانه ۴ منات. |
| بهای [اشتراک] سالیانه | در مشهد ۲۵ قران، شهرهای خودی ۳۰ قران، کشور بیگانه ۶ منات. |
| روش دریافت بهای اشتراک یک‌ساله | پس از شش ماه بهای یک ساله گرفته می‌شود. |
| بهای اعلانات | سطری یک قران |
| عنوان نوشتجات [آدرس] | مشهد، بالا خیابان، نامه نوبهار |
| شرط انتشار مطالب ارسالی | نوشتجات بی‌شناسایی درج نخواهد شد. |

شناسنامه

| | |
|----------------------------|--|
| نام | تازه بهار (= دوره دوم نوبهار) |
| مدیر | ملک الشعراء بهار |
| نوع و روش | سیاسی، ادبی، سرگذشتی، خوهان یگانگی و فزونی اسلام و اسلامیان و هوادار بزرگی و نیرومندی ایران و ایرانیان |
| سال انتشار | سال اول |
| تاریخ انتشار اولیه | ۴ ذیحجه ۱۳۲۹/۲۶ نوامبر ۱۹۱۱ |
| تاریخ انتشار نخستین شماره | ۱۴ ذیحجه ۱۳۲۹/۶ دسامبر ۱۹۱۱ |
| تاریخ انتشار آخرین شماره | ۲۲ محرم ۱۳۳۰/۳ ژانویه ۱۹۱۲ |
| تعداد کل شماره‌ها | ۹ |
| محل انتشار | مشهد مقدس |
| زبان | فارسی |
| چاپ | سربی |
| چاپخانه | اتحاد |
| فاصله انتشار | دوبار در هفته |
| تعداد صفحات | ۴، شماره ۹، ۵ |
| بهای یک شماره | ۵ شاهی |
| بهای [اشتراک] شش ماهه | در مشهد ۱۸ قران، شهرهای خودی ۲۰ قران، کشور بیگانه ۴ منات. |
| بهای [اشتراک] سالیانه | در مشهد ۲۵ قران، شهرهای خودی ۳۰ قران، کشور بیگانه ۶ منات. |
| بهای اعلانات | سطری ده شاهی |
| جای اداره و سرنوشت نامه‌ها | مشهد، بالا خیابان، اداره (تازه بهار) |
| شرط درج نوشته‌های ارسالی | نوشته‌جات را با شناسایی نویسنده‌اش زودتر پذیره خواهیم شد. |
| امور اداره روزنامه | همه کارهای اداره با معاون آن - جعفرزاده - است. |
| سرنوشت تلگرافات تازه بهار | |

Meched

Redaction, du Journal

Taza Behar

سالشمار زندگی مطبوعاتی ملک الشعراء بهار

دوران مشهد

(۱۳۳۲-۱۳۰۴ قمری)

| | |
|--|--------------------|
| در شهر مشهد در محله سرشور، تولد یافت. | ۱۲ ربیع الاول ۱۳۰۴ |
| اشعار سیاسی او در روزنامه مخفی خراسان بدون امضا به چاپ رسید و مورد توجه بسیار قرار گرفت. | ۱۳۲۳ |
| آغاز نویسندگی در جراید ملی و انتشار نخستین مقالات سیاسی و اجتماعی در روزنامه طوس و در جیل المتین کلکته بدون امضاء.. | ۱۳۲۷ |
| آغاز کار قلمی بهار در جریده طوس (از شماره ۸) | ۱۳۲۷ |
| تقاضای بهار برای گرفتن مجوز انتشار مجله ادبی - اخلاقی «احتیاج» با همکاری هیئتی از معارف خواهان خراسان. | ۹ رمضان ۱۳۲۷ |
| با روزنامه خراسان (به مدیریت سید حسین اردبیلی) همکاری کرد و مقالات او بدون امضا در آن روزنامه به چاپ رسید. | ۱۳۲۸ |
| تعطیل روزنامه طوس بعد شماره ۵۸ به دلیل فشارهای کنسول روس. | ۱۳۲۸ |
| دیدار با حیدر عمو اوغلی و عضویت در کمیته ایالتی حزب دمکرات خراسان. | ۱۳۲۸ |
| آغاز انتشار روزنامه نوبهار به مدیریت بهار در مطبعه طوس. این روزنامه ناشر افکار حزب دمکرات ایران بود. | ۹ شوال ۱۳۲۸ |
| انتشار مقاله آتشین ضد روسی با عنوان سیاست - با تجارت. | ۹ ذیقعه ۱۳۲۸ |
| حضور در انجمن ایالتی خراسان و ایراد نطق در خصوص لزوم ترک امتعه روس. | ۲۹ ذیحجه ۱۳۲۹ |
| انتشار سرمقاله مفصل «برای خلاصی وطن چه باید کرد؟» در سه شماره پیاپی. | ۱۵ محرم ۱۳۲۹ |
| انتشار سرمقاله «ترک امتعه روس و یا مبارزه غیر مستقیم» | ۱۰ صفر ۱۳۲۹ |
| انتشار سرمقاله «روس ها در خراسان» که شرحی بود از حرکات وحشیانه قزاق های روسی در کوچه و بازار مشهد. | ۴ ربیع الاول ۱۳۲۹ |
| انتشار سرمقاله مفصل «پیشگویی ها» در خصوص بازگشت محمد علی شاه مخلوع به کمک روس ها. (متعاقب انتشار این مقاله ژنرال کنسول روس طی مکتوبی به مدیر طبعه طوس نوبهار را تهدید به توقیف کرد.) | ۲۰ شعبان ۱۳۲۹ |
| تعطیل نوبهار بعد از انتشار ۸۰ شماره و تأخیر در انتشار مجدد آن به علت | اواخر شوال ۱۳۲۹ |

- دو عامل خارجی و داخلی (شماره ۸۰ در ۲۴ شوال ۱۳۲۹ انتشار یافت)
- ۴ ذیحجه ۱۳۲۹ انتشار طلیمه تازه بهار در مطبعه اتحاد (این روزنامه به جای نوبهار انتشار یافت)
- ۱۴ ذیحجه ۱۳۲۹ انتشار نخستین شماره تازه بهار (این شماره با اعلان اولتیماتوم دولت روس به ایران مصادف شد.)
- ۲۸ ذیحجه ۱۳۲۹ انتشار باب اول از «کتاب الجهاد» حاجی شیخ جعفر کبیر. (این اقدام برای تحریض مردم به مقاومت در برابر تجاوزگری و زیاده خواهی روس ها انتشار یافت.)
- ۲ محرم ۱۳۳۰ انحلال مجلس دوم تحت فشار اولتیماتوم روس
- اواخر محرم ۱۳۳۰ توقیف تازه بهار بعد از انتشار تنها ۹ شماره، و تبعید بهار و نه نفر از اعضای حزب دمکرات ایران به تهران. (این اقدام تحت فشار کنسول روس صورت گرفت)
- از صفر تا رمضان ۱۳۳۰ همکاری ادبی با یک روزنامه سیاسی(؟) و انتشار دو مقاله از بهار در این روزنامه (ر.ک: قلب شاعر، در دیوان، ج ۲)
- از صفر تا رمضان ۱۳۳۰ همکاری با جیل المئین کلکته (ارسال شعر و خبر و مقاله) احراز سمت مخبری این روزنامه در تهران
- شوال ۱۳۳۰ بازگشت بهار به مشهد بعد از هشت ماه تبعید
- ۷ صفر ۱۳۳۲ انتشار اولین شماره سال دوم نوبهار در مشهد، بعد از هشت ماه و بیست و شش روز از توقیف تازه بهار (این دوره از نوبهار با روش غیرسیاسی و عمدتاً اجتماعی و فرهنگی و اخلاقی انتشار یافت.)
- ۱۰ صفر ۱۳۳۲ انتشار اولین قسمت از ستون ثابت «مباحث اخلاقیه» با عنوان «چاره چیست؟»
- ۸ ربیع الاول ۱۳۳۲ انتشار سرمقاله «زن مسلمان» در چهار شماره پیاپی.
- ۳۰ ربیع الاول ۱۳۳۲ انتشار سرمقاله «تجدد و انقلاب» در چهار شماره پیاپی.
- ۱۴ ربیع الثانی ۱۳۳۲ انتشار سرمقاله «تربیت و تعلیم» در دو شماره پیاپی.
- ۱۲ جمادی الاول ۱۳۳۲ انتشار سرمقاله «روح دیانات» در چهار شماره پیاپی.
- ۱۸ جمادی الثانی ۱۳۳۲ انتشار سرمقاله «سیاست ایران، اهمیت پارلمان آینده.»
- ۳۰ جمادی الثانی ۱۳۳۲ انتشار سرمقاله «سیاست ایران قهرمان می خواهد.»
- ۱ شعبان ۱۳۳۲ انتشار سرمقاله «راستی چیست و راستکار کیست؟» در سه شماره پیاپی.
- ۱۲ شوال ۱۳۳۲ انتشار خبر تاسف بار درگذشت جرجی زیدان.
- ۱۰ ذیقعد ۱۳۳۲ انتشار سرمقاله «وداع نوبهار»، سال دوم نوبهار بعد از این شماره در اثر فشار

کنسول روس و انگلیس که هر دو در جنگ جهانی در جبهه واحدی بودند، توقیف شد. (با انتشار ۷۷ شماره از این دوره نوبهار، روزنامه نگاری بهار در مشهد برای همیشه پایان می‌یابد. در کل ۱۶۶ شماره به جز طلعه‌ها انتشار یافت.)

عزیمت بهار به تهران جهت حضور در مجلس سوم. (بهار در نیمه دوم سال ۱۳۳۲ از سوی مردم کلات و درجز و سرخس به عنوان نماینده انتخاب شده بود.)

اواخر ۱۳۳۲

انتشار طلعه نوبهار در تهران.

۱۶ محرم ۱۳۳۲

انتشار اولین شماره نوبهار در تهران. (بین توقیف نوبهار مشهد و آغاز انتشار نوبهار در تهران دو ماه بیست و شش روز فاصله است.)

۲ صفر ۱۳۳۲



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی